

کامپیوتر و نظام مالیاتی

با پایگاه‌های جستجوگر

صدای سکوت را بشنوید،

چهره سکوت را تماشا کنید

ستاره واقعی سومین و آخرین مرحله از مبارزات انتخاباتی آمریکا، نه جان مک کین بود نه باراک اوباما، ستاره واقعی یک لوله‌کش شهر کوچک تولدو^۱ در ایالت اوهایو آمریکا بود به نام جو.

جو ورزل باچر^۲ گفتگویی کوتاه با سناتور اوباما در تولدو داشت. جو تصور نمی‌کرد که بحث کوتاهش با اوباما او را در **سراسر جهان** مشهور کند.

جو لوله‌کشی است که سال‌ها ۱۲ ساعت در روز کار کرده است تا بتواند خودش یک شرکت تأسیساتی را تأسیس کند. مشکل جو - که در رسانه‌های گروهی به **جوی لوله‌کش^۳** شهرت یافته است - آن است که درآمد او به بیش از ۲۵۰ هزار دلار در سال خواهد رسید و مالیاتی که بر اساس برنامه مالیاتی اوباما برای او تعیین خواهد شد چنان زیاد خواهد بود که او دست‌کم در سال‌های اولیه نتواند امور شرکت خود را بگذراند.

آرزوی جوی لوله‌کش به کانون حملات جان مک کین علیه سیاست‌های اقتصادی اوباما تبدیل شد. اول مک کین شروع کرد و خطاب به اوباما گفت که جوی لوله‌کش به دلیل برنامه غلط مالیاتی اوباما به او رأی نخواهد داد. از آن پس، هر دو کاندیدای ریاست‌جمهوری از طریق رسانه‌ها مستقیماً جوی لوله‌کش را صدا می‌کردند و نفع او را در اجرای سیاست‌های مالیاتی خود می‌دانستند.

رسانه‌های گروهی آمریکا با ارائه انواع تحلیل‌های اقتصادی و وضعیت مالی جوی لوله‌کش، سیاست‌های مالیاتی هر دو نامزد را تبیین کردند، تا مردم به گونه‌ای شفاف دریابند که اجرای کدام روش‌ها و سیاست‌های مالیاتی به نفع آنهاست.

در ایران، رئیس جمهور محترم کشور عزیزمان در اواخر فروردین‌ماه سال جاری در جمع مردم قم این پرسش را مطرح کردند که چرا مالیات تعیین شده برای دو کارخانه که یک چیز تولید می‌کنند و به یک اندازه تولید خود را فروخته‌اند باید به شدت متفاوت باشد (یکی ۳۰۰ میلیون تومان و دیگری کمتر از ۳ میلیون تومان).

- 1 Toledo
- 2 Joe Wurzelbacher
- 3 Joe the Plumber

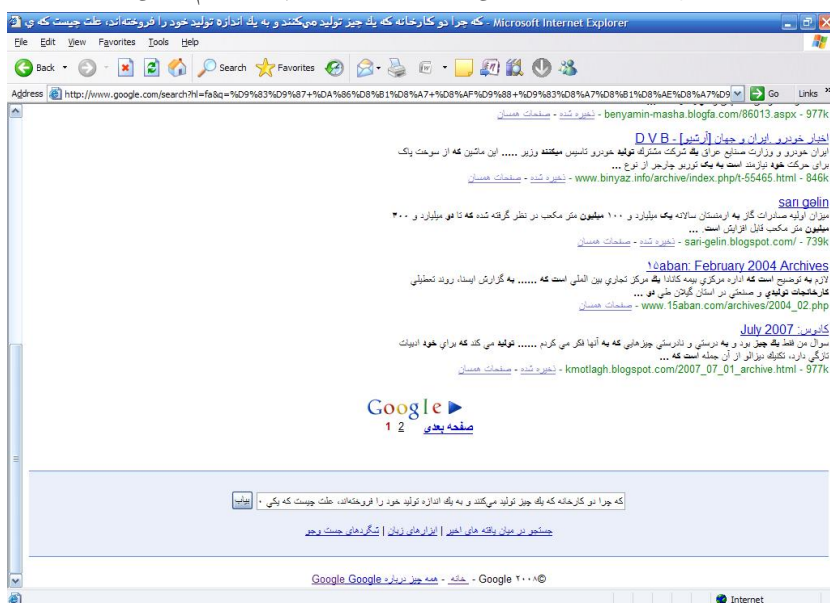
کنند و تذکرات لازم را به سازمان‌ها و مؤسسات ذی‌ربط بدهند.

علت‌های فراوانی را برای وضع مالیات نابرابر برای آن دو کارخانه دارای شرایط یکسان می‌توان تصور کرد: ممکن است یک اشتباه ساده یک یا دو ممیز تازه‌کار باشد (که اگر مالیات‌دهنده مراحل قانونی اعتراض را طی کند قابل حل است)؛ ممکن است تخلف یک یا دو ممیز مالیاتی متخلف باشد (که بازمم اگر مالیات‌دهنده مراحل قانونی اعتراض را طی کند قابل حل است)؛ ...؛ اگر مالیات هر دو کارخانه پس از طی مراحل اعتراض قطعی شده باشد ممکن است یک تخلف پیچیده و سازمان‌یافته باشد. یافتن علت‌ها چقدر وقت می‌خواهد؟ امیدوارم سناریویی نباشد که در شماره ۱۶۹ (خردادماه) آورديم:

«پرسش ساده است، اما پاسخ می‌تواند بسیار پیچیده شود و - چون در سازمان امور مالیاتی هنوز از کامپیوتر استفاده نمی‌شود - می‌تواند سال‌ها وقت بطلبد تا مسئله در کمیسیون‌های مختلف حل اختلاف مالیاتی و شورای عالی مالیاتی رسیدگی گردد و در نهایت علت‌یابی شود. در این مدت کارخانه‌ای که ۳۰۰ میلیون تومان مالیات داده است توان رقابت را از دست خواهد داد و کنار خواهد رفت. کارخانه‌ای که ۳ میلیون تومان مالیات داده است در غیاب رقیب، به دلیل توسعه در یک محیط غیررقابتی، در رقابت با تولیدکننده‌های خارجی از پای خواهد افتاد، و احتمالاً به یک واردکننده محصولات خارجی تبدیل خواهد شد.»

با این وصف، مالیات‌دهندگان حق دارند که از نحوه اطلاع‌رسانی ضعیف سازمان امور مالیاتی کشور نگران باشند.

در مقاله «کامپیوتر و نظام مالیاتی» در شماره ۱۷۰



(تیرماه) ماهنامه ریزپردازنده این پرسش را مطرح کردیم که چرا سازمان امور مالیاتی نتوانست پروژه کد اقتصادی را اجرا کند. چیزی از انتشار این شماره نگذشته بود که احیای مجدد کد اقتصادی اعلام شد.

ناشر انتشارات ریزپردازنده در روز ۱۶ تیرماه ۸۷ جهت گرفتن فرم اظهارنامه مالیاتی به اداره مالیاتی مراجعه می کند (یعنی ۱۵ روز مانده به پایان مهلت تسلیم اظهارنامه مالیاتی). ممیز مالیاتی به او می گوید که فرم نداریم و تا پایان ماه یک فرم همراه با یک کد اقتصادی به دفتر انتشاراتی ارسال خواهد شد. این فرم تا به حال که حدود چهار ماه می گذرد به دفتر ناشر نرسیده است. بعدها اعلام شد که این فرم فقط برای مؤسسات دارای بیش از سیصد میلیون تومان گردش مالی ارسال می شود.

ناشر که می دانست اگر فرم اظهارنامه را به موقع ارائه نکند نخواهد توانست که از معافیت های مالیاتی قانونی بهره بگیرد، مجبور می شود که دوباره در روزهای پایانی مهلت تسلیم اظهارنامه به اداره مالیاتی مراجعه کند. برای ما معلوم بود که طرح احیای کد اقتصادی به گونه ای شتاب زده اجرا می شود.

در کشور عزیزمان سازمان ها و ادارات مختلف پروژه های بزرگی همچون مترو، برج میلاد، سدهای عظیم و مانند آن را به اجرا درمی آورند و به انجام می رسانند. سازمان امور مالیاتی در اجرای پروژه ساده ای چون پروژه کد اقتصادی ناموفق می ماند و پس از سال ها به طور ناگهانی و بدون اطلاع رسانی کافی به اجرای مجدد آن می پردازد. چرا؟ (یک بار دیگر داستان جوی لوله کش را بخوانیم).

حال یک داستان تخیلی را بخوانیم: «کارگران یک مؤسسه به این دلیل که چون درآمد مؤسسه در ماه های گذشته افزایش پیدا کرده است و کارفرما قصد دارد از ماه جاری حقوق آنها را افزایش بدهد دست از کار کشیده اند. کارگران وقتی مطمئن می شوند که افزایش حقوق مربوط به سال آینده است سر کار خود بازمی گردند». باور نمی کنید؟ ادامه مقاله را بخوانید.

اگر در پایگاه وب گوگل عبارت «value added tax» را جستجو کنید فهرستی مفصل از مقالات و اطلاعات گوناگون در اختیار شما قرار می گیرد. در صفحه اول نتایج می توانید لینک زیر متعلق به **دانشنامه وی کی پدیا** را دستیابی کنید:

http://en.wikipedia.org/wiki/Taxation_in_the_European_Union

اگر روی این لینک کلیک کنید اطلاعات مفصلی درباره مالیات ارزش افزوده در اختیارتان قرار می گیرد. در یک جدول این پایگاه وب میزان مالیات

ارزش افزوده بسیاری از کشورها مقایسه شده است. ایران با ۳٪ در شمار کشورهایی است که کمترین میزان مالیات ارزش افزوده را دارند.

ماهیت کاری پلافروشان ایجاب می کند که همواره اخبار اقتصادی ایران و جهان را پیگیری کنند. آنها به راحتی می توانند سایتی چون سایت وی کی پدیا را بررسی کنند و دریابند که میزان تعیین شده مالیات ارزش افزوده در ایران بسیار پایین است، یا می توانند دریابند که اصلاً قرار نبوده است که در سال جاری مشمول اعمال این نوع مالیات گردند (آن گونه که رئیس سازمان امور مالیاتی کشور در مصاحبه های مختلف بعد از جریان اعتصاب بازار ذکر کرده اند). پس چرا چند روز خسارت ناشی از اعتصاب را تحمل کردند؟ حالا تحلیل هایی را که برای این اتفاق ذکر می شود با داستان تخیلی ما مقایسه کنید.

اعتصاب _ که خسارات ناشی از آن معمولاً جبرانناپذیر است _ هنگامی رخ می دهد که صدای یک گروه یا یک صنف شنیده نشود. اگر این صدا از طریق رسانه ها به گوش ها برسد معمولاً اعتصاب رخ نخواهد داد.

یک بار دیگر پاراگراف آخر مقاله «کامپیوتر و نظام مالیاتی» درج شده در شماره تیرماه ۱۳۸۷ (سه ماه قبل از اعتراضات اخیر به سیستم مالیاتی) را بخوانیم:

«همان گونه که فعالیت های اقتصادی مردم باید شفاف باشد، فعالیت های سازمان امور مالیاتی نیز باید شفاف باشد و مالیات دهندگان باید قادر باشند که رعایت عدالت مالیاتی را دست کم از طریق رسانه ها بررسی کنند. به پرسش ها می توان پاسخ داد، اما گذشته زمان و تاریخ _ هرچند دیر هنگام _ پاسخ بسیاری از آنها را خواهد داد. کامپیوتر می تواند در ایجاد حس اعتماد نقشی مؤثر داشته باشد. پرسش رئیس جمهور نیز در واقع یک راه حل است: ایجاد سیستمی که به مردم اعتماد بدهد که عدالت مالیاتی رعایت می شود، یعنی هیچ کس نتواند ادعا کند که مالیات دو واحد اقتصادی مشابه تفاوت قابل ملاحظه ای دارد.»

آیا باید آن قدر منتظر بمانیم تا بحران به وجود بیاید و بعد پی درپی مصاحبه کنیم و اطلاعیه بدهیم؟ خوشبختانه، رئیس سازمان امور مالیاتی کشور در روز ۳۰ مهر ۱۳۸۷ (چهارماه بعد) در گفتگو با خبرگزاری مهر به این خواسته _ که یک خواسته به حق مالیات دهندگان است _ پاسخ دادند:

«رئیس سازمان امور مالیاتی کشور اجرای برنامه هایی با محور اصلاحات مالیاتی، طرح جامع

مالیاتی و سایر برنامه های مالیاتی را بر هدف جلوگیری از فرار مالیاتی استوار دانست و بر شفاف سازی سیستم مالیاتی در کشور تأکید کرد و افزود: برای انجام چنین کاری در ابتدا باید خود دستگاه مالیاتی درست عمل کند و ما نمی خواهیم که توپ را صرفاً به زمین دیگران بیندازیم.

وی ایجاد دادرسی مالیاتی در دادگاه های مالیاتی را در همین راستا عنوان و تصریح کرد: تا به حال در کشور دادرسی مالیاتی وجود نداشت، در حالی که دادرسی مالیاتی یعنی حفظ حقوق مردم، یعنی این که مردم بدانند با مراجعه به دادگاه های مالیاتی چه انتظارات و اختیاراتی داشته باشند که البته فرم هایی نیز برای این منظور تهیه شده است. رئیس سازمان امور مالیاتی کشور با تأکید بر این که سازمان امور مالیاتی نیز در حال اصلاح سیستم مالیاتی است، بیان کرد: مردم در مراجعه به سازمان امور مالیاتی باید با یک نظام شفاف، روشن، منظم و قابل پیش بینی روبرو باشند. بنابراین اصلاح سیستم مالیاتی یک پروژه سازمانی نیست، بلکه یک پروژه ملی است.»

البته تشکیل دادگاه های مالیاتی اقدام پسندیده ای است. اما باید دانست که در قانون مالیات ها **دادستانی انتظامی مالیاتی** وجود داشته است، و قوانین موجود برای جلوگیری از تخلف و حتی کشف تخلفات کافی بوده است. اجرای قانون به گونه ای که حقوق مؤدیان محترم شمرده شود مهم است. به عنوان مثال، طبق قوانین موجود یکی از اعضای هیئت حل اختلاف مالیاتی یک قاضی دادگستری است که بر اساس قانون می تواند از میان قضات شاغل یا بازنشسته انتخاب شود. حضور یک قاضی در این هیئت به معنی آن است که اعتراضات مؤدیان بر اساس **آیین دادرسی** مورد رسیدگی قرار می گیرد. حال به نمونه ای از اجرای این قانون توجه کنیم: وقتی مؤدی به عدم حضور قاضی در هیئت حل اختلاف مالیاتی اعتراض می کند تنها عضو حاضر در جلسه به او می گوید که قاضی کم داریم و او در هیئت های حل اختلاف مالیاتی مختلف ساختمان در حال چرخش است. این قاضی _ احتمالاً بازنشسته _ با آن سن بالا چگونه می تواند بر روی چند پرونده به طور همزمان نظر بدهد و مراقب باشد که رسیدگی بر اساس آیین دادرسی باشد. یا نمونه ای دیگر: در اداره دادستانی انتظامی مالیاتی برای هر یک از مناطق تهران یک دادیار ویژه اختصاص یافته بود. چرا پرونده ها به نوبت در اختیار دادیاران قرار نمی گرفت؟ □